



حلقه فشنگ عجیب دارد بطوریکه بعد از ریختن دَبک ؛ حلقه های مذکور در زور فین های اطراف دَبک طوریکه تکه ریخته شده و تصورات عالی چنان است که حلقه های مذکور همراه دَبک در یک قالب ریخته شده شعاع سرد دَبک  $2\frac{1}{4}$  ملی - ۸۵ سانتی قطر دَبک مذکور ( ۴ ) متر و (  $1\frac{1}{4}$  ) سانتی عمق دَبک ( ۹۸ ) سانتی این دَبک بزرگ یکی از آثار بسیار نفیس بلکه بکلی بی نظیر است .

### آبدان سنگی

غیر از دَبک بزرگ فلزی آبدان بزرگی از سنگ مرمر در جامع شریف بوده که او نیز بخطوط و نقوش مزین بوده این آبدان را نادر افشار هنگام تاساخت و تاز خود بگردونه بسته از هرات بمشهد برد و روی آن بقعه طلائی ساخته در صحن حضرت امام علی بن موسی الرضا رضی الله عنه نصب نمود و اکنون به سقاخانه طلا معروف است ؛ از تاریخ ساخت و استاد حجاز آن اطلاعی ندارم .

### مساحت جامع بقول صاحب خلاصه الاخبار

خووند میر هرودی در خلاصه الاخبار جامع هرات را بعد از فرمیم امیر شیر علی چنین مساحت نموده .  
 و این مسجد جامع شریف مشتمل است بر چهار صد و شصت گنبد و صد و سی رواق و چهار صد و چهل و چهار پیل پایه و طولش سوای عرض دویازد و بیست و پنج و چهار زرع است و عرضش صد و پنج و زرع و طول صفا مقصوده شصت و پنج زرع و عرضش بیست و پنج زرع و ده هفت طاقش بیست و شش زرع و طول صفا شمالی بیست و سه زرع و عرضش یازده زرع و طول صفا جنوبی بیست و دو زرع است و عرضش سیزده زرع و نیم طول گنبد مقبره امیر علی بیست و چهار زرع است و عرضش بیست و سه زرع و طول صفا مسجد صد و چهارده زرع است و عرضش هشتاد و چهار زرع و این بقعه شش در و از در دارد متأسفانه باز این مسجد جامع زیبا در سال ۹۱۶ هنگام قشون کشی اسمعیل صفوی بجانب هرات بدست عسکر بیدارش شاه ایران و بران گردید .

کتابخانه و مکتبه های قدیم جامع هرات در آن دوره عالی بوده و از اجزای  
 مکتبه های عصر ملک غیاث الدین اکثر آنرا همان ترمیم مرحوم امیر علی شیر  
 باقی بوده و بعد از آن تغییر و از تزیینات جدید رفته و معدوم گردیده معین الدین  
 اسفزاری سال ۱۹۷۷ که سال تالیف کتاب مشهور او (روضات الجنات) است  
 میگوید: تاریخ بنای این بقعه معموره که بر روی ایوان مقصوره بخط کوفی  
 ثبت شده که سنه سبع و تسمین و حسمائه ۵۹۷ است. از نوشته اسفزاری معلوم  
 میشود تا عصر او در هنگام ترمیم علی شیر اکثر کتبهای قدیم ثابت بوده  
 و اکنون جز از این عبارت که بخط کوفی در ایوان مقصوره اندرون طاق  
 مدخل شبستان جنوبی کج بری شده و از عصر مرحوم ملک تاکنون باقی  
 ماند. کتیبه دیگری در دست نیست و اینک تقریب آن فرار آید:

نقل کتیبه

بسم الله الرحمن الرحیم  
 السلطان المعظم شهنشاہ الاعظم مالک ارضاب الامم و اولی الملوک العرب و المعجم  
 سلطان ارض الله حافظ بلاد الله معین خلافة الله غیاث الدین و الدین معز الاسلام  
 و المسلمین نظام العالم ابو الفیض و محمد بن سمام قسیم امیر المؤمنین انوار الله برهانه  
 کتب و مقصوره امیر علی شیر  
 هنگام ترمیم عصر میر علی شیر شعر و فضیلت هر وی قطعات و اشعاری حاوی  
 تاریخ ترمیم به نظم کشیده بودند. مرحوم امیر علی شیر لفظ (مرمت کردن) را  
 ماده تاریخ یافته بود. مولانا معین الدین اسفزاری نیز همین تاریخ را یافته  
 و چنین به نظم آورده نظم:  
 نظام دولت او دین میر پادشاه نشان که دولت در جهانیش حق کرامت کرد  
 مرمتی که زاصل بنا فرو نمر بود درین مقام شریف از علوهمت کرد  
 توافق حسن بین و اقتضاء زمان که چون موافق تاریخ شد (مرمت کرد)  
 خواند امیر مولف خلاصه الاخبار این قطعه را سروده بود نظم:  
 گشت محکم اساس این مسجد ز اهتمام امیر بندم تسوازل  
 بهر قدر پیش رفت مرشد عقل (شد مشید اساس مسجد باز)

( ۳۰ )

شماره هشتم سال هشتم آریانا

حلقه سنگ عجیب دارد بطوریکه بعد از ریخت در یک حلقه های مد کسور در این دو قطعه در رباعی روی کاشی های لاجورد سمت غربی و بعین و ایستار ایوان مقصوره بصورت شکسته و پاشیده تا هنگام طاق بندی و قرمیم کناری این عصر فرخنده باقی بود نظم

تساوی مقصود از ما و طاق جامع شهر است اگر دایره خراب بود از دایره عمق در یک حلقه سنگی در جامع شهر است اگر دایره خراب بود از دایره عمق در یک حلقه سنگی در جامع شهر است

در این دو قطعه در رباعی و آن کشت قاریخ (بوق لبناه علی شیر) (۱) به

و قطعه دوم نیمه است و مدت است

از تعمیر این بقعه چنان یافت فیض که مانند خلد است و ای فیض چو از فیض تعمیر شد بهر ما منید

در ضمن حضرت انعام علی



این بقعه که ما زده بود چون عظم رمیم مانده کعبه یافت احیای عظیم ناز یخ عمارتش ز دل جستم کشف استقامتی طیب ابدراهمیم

دو قطعه سنگ مرمر سفید حاوی دو فرمان یکی از سلطان ابوسعید و دیگری از سلطان حسین شیرزاد در شبستان غربی و ایوان مقصوره است

اول نقل فرمان سلطان حسین که راجع بموقوفات جامع است نقل میشود این سنگ اندرون ایوان مقصوره در دیوار جنوبی نصب شده نقل فرمان انحمدلله الذی بنعمه یتمم الصالحات و بتوفیقه منفتح ابواب الخیرات چون همت سلطان زمان متمثل ان الله یامر بالعدل و الاحسان معزالدینا و الدین ابوالغازی سلطان حسین بهادر خان خلد ملکه برتر و بیخ بقاع مبرات موقوفت و صورت تکثیر مدا خل سعادت بر لوح جامع ضمیر انور او کما لنقش فی الحجر ثابت در اول ربیع الاول هشتصد و هفتاد و هشت فرمان عالی فرمود که موقوفات مسجد جامع دارا المنصرت هرات و جمنید عالی سلاطین ماضی و خاتقاه جدیدوی . نهر جسر مالان از کل تکالیف

( ۱ ) از ( وفق لبناه علی شیر ) هشتصد و دوینج ۸۹۵ برمیاید و این تاریخ از سال تر ممیم علی شیر متفاوت است و ممکن است ( یوفق لبناه علی شیر ) بوده باشد که از آن ( ۹۰۵ ) و سال ختم قرمیم است برمیاید و هنگام کاشی غلط نگاشته شده باشد و فیکری

(۲۱)

مستند جامع هرات

مستند جامع هرات

دیوانی مسلم و مرفوع القلم جا ستمه از رفیقا ت و مستقلات آن حال و اخراجات لشکر و شناوری و سونچی و ده بازده و ضابطانه و حق السعی و داروغه گزانه و غیر آن نه طلبند و حاصل آن را (صرف) زینت و عمارت آن و ارباب و ظایف و مستحقات مقصر دانند هر آینه فرزندان کما منکار و سلاطین اسلام شعار توفیق بنفین این اخیر یافته هم علیه ایشان در خصت تغییر آن ندا دهند قوله تعالی فمن بد له بعد ما سمعه فانما اطع علی الذین یدلون به او نه. فرزند شده پس بهرات آمد اکثر و بر اینها را آباد نمود تعمیرات و باقی بماند. بنا به حدیث در هرات فرموده و آن

نقل فرمان سلطان ابو سعید کور گیان

بسم الله و لی التوفیق فی حق چین بمیا من همم علی الله و تو جهه انوار من ذاکه صاحب کشف و انبیا توفیق انما خیرات و اداعه خبرات یفوق دولت روز افزون و قریب روز گزاتر همایون حضرت خاقان صاحبقران بر افغ الوایه العدل و الاحسان جامع ابنیه ظلم و العدوان المومنین بتائید الملك الدیان غیث الخلافة و سلطنته و المدین غوث الاسلام و المسلمین سلطان ابو سعید کور گیان بخدا الله تعالی سجانه فی بساط الارض ملک و مدظانه کشته همگی همت عالی نهست هر در فیه عقاب و تعمیر بلاد و دفع مواد فساد و دفع رملوس عده موم از باب قلم و عناد مصر و یوسف و معطوف فرموده تصد بقا اهدک الاحوال چون سلطنت جلال رسید که بواسطه مطالبت نام بردار در بلاد و دیار انواع و اقسامی در هر وقت و زمان بعامه مسکنان راه می مانند در منطف جمادی الاخره سنه و ستمین و نمانه امر مطاخ لازال مسیغفی الاقطاع صدور یافت که من بعد الیوم بعلمت نام بردار قشونى از دار السلطنه هرات زیلو کات مطالبتی تمامیند و بدین جهت سلاطه اهالی و سنا کمان و جماعات و محترقات و شرکاء و مزارغان تعرض نرسا نند تا بفراغ بال و فارغ حال در ظل معدن عا ظفت و کشف مر حمت و رافت روز گزاتر گذرا نند امید است که انقراض دوران فرزندان کما منکار دولتیار و سایر سلاطین نامدار توفیق بنفین آن یافته حکام که تغییر این خیر عام نماید در هر من و وبال و ما متحقق حضرت ذبی الجلال باشد فمن بد له بعد ما سمعه فانما اطع علی الذین یدلون به و علیه لعنة الله و الاملا نکتته و الناس اجمعین و فرمان واجب الاذعان صادر شد بالرساله

ت احوال عامه را با آن اقسام و غیر آن جامع بعد از آنکه در فوج و مملکت  
این دو قطعه در بر بماند و بر آن کتب و کتابخانه و مکتب و غیره  
ن آن کتب و مکتب و غیره را که در این زمانه در آن کتب و مکتب  
اموال منصوصه صورت پذیرفته و در آن کتب و مکتب  
ت اقسام و غیره را با آن اقسام و غیره را که در این زمانه  
مناصفاه ترجمیم و تعمیر انقیس مرحوم امیر علی شیر دوامی نمود مرحوم  
علی شیر در ۹۰۶ و سلطان عادل هنریرو را یعنی حسین میرزا در ۹۱۱ وفات  
نمودند و بالاخر پسران سلطان مذکور در اثر تفاق و عدم اتحاد و اتفاق هر آن  
نا زمین را بمحمد شیبانی سپردند. محمد شیبانی مردمکبر و خود پسند و ظالم  
بود در ۹۱۳ بهرات رسید تختگاه شاه رخ را معتصرف شد از بکان در شهر تا بخت  
بمختشمن را بشکنجه کشیده و جوهر و نقره و مطا ابره می نمود و و هر یک را بدهانه  
ن میسگر فتند و زر مسکو و نقره و مضر و ب از آنها حصول می نمودند. محمد خان  
شیبانی در باغ فراغان جلوس نموده عدو را بشبیه اموال و املاک و ذخایر خا قن  
منظور امحول نموده تمام ااثال البیت و جوهر و سیم و زر و سایر اشیاء قیمتی  
در آن از زنان و دختران حسین میرزای مرحوم ز جز او و قهر را آن گرفتند میرزا  
عبدالرحیم صبرانی که صدارت محمد خان بود متعلق بود بعد از حصول مال فراوان  
ببضبط اوقاف خراوق و مساجد پرداخت اراضی و وقف را بنام خودش قبلا نموده  
مساجد و خراوق و بوبرانی نهاد در اثر این حادثات مشهور مسجد جامع  
ن نذر رخ باهدام گذاشته متعاقب این حال عسگر آچرا اسمعیل صفوی بسرگردگی  
قلیخان که از تربیت ببافتگان نجم ثانی زرگر بود بهرات رسیده ببناد ویرانی  
و تعدی را نهادند عسگر بیدانش در آشوب جو بان بداندیش در ویرانی جامع هرات  
و سایر بقاع خیر هرات کشیده هر روز خشتی از آن بیجا میشد. تا وزیر مد  
میرزای صفوی بهمین ویره میگذاشت و آشوب خواهان و مغر ضنین بیدانش  
را از این امور رفا شایسته منع نمود که نقوش در اول ریب اول  
رقع شیبانی نهادند عسگر آچرا اسمعیل صفوی را در آن وقت که در آن وقت  
بعد از آنکه کتاز از بکان در هرات و ویرانیهای عسگر اسمعیل صفوی جامع  
هرات که رواقهای زیبا و کمبدهای منقش آن دشمنخوشان خودت و بیداد  
آشو بخراهان گردیده برداعصر حسن خان شاملو هیچ کس موافق به تعمیر

اوشان و ترمیم آن نگر دیده بود، مر حرم حسن خان شاملو اصلاً از اترک و آباء  
 اودر خراسان بزمه اعزه و اشراف محسوب و همیشه بمناسب و مرا تیب بلندی  
 سرفراز میبودند. حسن خان شاملو مردی دانشمند و فاضل هنر مندی بود خط  
 نستعلیق را بعد از عماد قزوینی از همه خطاطان مانقدم بهتر مینگاشته و در شعر  
 گاهی حسن و گاهی محروق تخلص مینمود در عصر اسمعیل میرزای ثانی یا شاه عباس  
 این مرد دانشمند را که در خراسان سابقه و گذاره نیکو داشته از خوانین اینجا  
 محسوب میشد بیگلر بیک خراسان مقرر شده پس بهرات آمد اکثر ویرانیها را  
 آباد نمود تعمیرات حسن خان از قبیل حوض و کار و انرا در هرات فراوان  
 و حوض بزرگ چهار سوق تا کنون آباد است با جمله در ذیل هزار بنای  
 خویر خود جامع هرات را در ۱۰۳۶ ترمیم نمود.

ترمیمات دیگر

از آنجا که حوادث روزگار پیوسته در پی ویرانی این بنای عالی مقدار بوده  
 و بکرات و هرات از کبان او را درهم شکسته بعد از ترمیم حسن خان نیز خرابی  
 فراوانی به آن رسیده در واقفهای بزرگ و بقیاع مرتفع آن نقصانی عظیم پذیرفته  
 بود. اگر در واقفی و ترمیم می شد طایقی دیگر از آن میفلطید و اگر ایوانی را  
 محکم میساختند گنبد دیگری افزود می آمد. در سال ۱۲۵۳ قمری مر حوم  
 وزیر یار محمد خان به آبادی این معبد کوشیده ایوان شمالی و قسمتی از شبستان  
 آن سمت را ترمیم نمود در عطل مر حوم امیر شیر علی خان نیز قسمتی از  
 شبستانهای جنوبی را ترمیم نمودند در عصر مر حوم ضیاء العلة و الدین  
 امیر عبدالرحمن خان مر حوم فرا مر روز خان سپهسالار - ایوان مقصود را  
 پوشش نمود. در ۱۳۲۵ مر حوم سراج العلة و الدین امیر حبیب الله خان مبلغ دولک  
 روپیه صرف ترمیم اینجا مع ترمیم ده صحن مسجد را فرس - آجر و دیوار و سقف  
 و جدار آنرا ترمیم و کج اندود و سفید کاری نمودند و بترتیب فوق فرزندان وطن  
 این معبد باستانی را تا این عصر فر خنده یعنی دوره سلطنت اعلیحضرت الامتور کل  
 علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان بخت ترقیخواه ما خلد الله ملکه بقیاع این  
 معبد بزرگ و این باد کار نفیس نیا کمان مارا حفظ نمودند.

شماره هشتم سال ششم  
تاریخ یاور و قایمیکه در جامع هرات  
واقع شده

اول همان حریق بزرگی که در حدود قرن چهارم در این مقام مبارک واقع و بنای  
چوبین آن تماماً سوخته و شراره آن بیازار جمله فروشان رسیده آن بازار  
را نیز سوخته است تفصیل این واقعه در تفحات الانس حضرت جامی در ذیل احوال  
سلطان مجدالدین طاب و در رساله مزارات هرات حصه اول ذیل احوال  
حضرت ابو عبد الله طاقی قدس سره منطور است: در هرات و حدود بسند و طاج  
دوم: واقعه زلزله شدید است که در اثر آن حادثه اکثر قسمت‌های جامع  
شریف ویران گردیده. این حادثه را معین الدین اسفزاری در کتاب خود  
روضات الجنات چنین مینویسد:

دیگر از حوادث بزرگ آن بود که در شب جمعه هشتم جمادی الاول سنه خمس  
و تسعین و اربعمائه زلزله واقع شد که جانب غربی مسجد جامع هرات و بیشتری  
از جانب شمالی و جنوب ویران شد و یکی از آثار رحمت الهی آن بود که  
این واقعه در شب روی نمود که اگر عیاض بالله در روز بودی خلاق بسیار  
ضایع شدی.

سوم: همان قتل منگیتای شهنه چنگیز است که تولی در هرات او را بشکنگی  
نصب نموده بود و بقول اسفزاری در مسجد جامع او را بکشتند و این امر باعث  
ویرانی شهر هرات گردید.

چهارم: در آن هنگام که شهر شهر هرات بدست عسکر تاتار غدار ویران  
و چنانچه بیشتر تذکار یافت جز از چهل تن هراتی کسی دیگر در اینجا باقی  
نمانده بود این چهل تن وفادار به تحت قیادت و سرگرد کی خطیب جفران  
یغکر آبادی هرات بودند و از هر که عیاری امرار حیات مینمودند. در اوقات

مساعده خود را بعسکر چنگیزیان رسانیده اسب و سلاح و آذوقه آنها را غارت  
نموده بهرات میرسانیدند. عده دیگری نیز که تعدادشان بده هزار نفر میرسید  
از خراسانیان که اوشانرا قیقلیان میگفتند در جبال نشایور و طوس زندمانند  
آنرا بخراسان گردانیدند و در قلع حسن خان شاملو هیچ کس موافق تعمیر



اوشان نیز مانند هر و بان بهیاری پرداخته ابلجیان چنگیز و چنگیزبان را که در راه آهانبور و هرور داشتند راه بر اوشان قطع نموده اموال شان را غارت و ناچار با نرا می کشتمند این خبر بشمع قا آن پسر چنگیز رسیده طاهر نامی را با سپاه فراوان بدفع اوشان فرستاد. از طرف دیگر جنتمور نام مردی دیگر از سزان سپاه چنگیز که چند بار دیگر بسر همین طایفه قیقلیان لشکر کشیده و کاری از پیش برده بود کیلیات نام امیری را بچنگ اوشان فرستاد در حدود سبزوار بر اوشان ناخته بعد از تلفات سنگین بر قیقلیان ظفر یافته جمعیت آنها را پراکنده ساخت سه هزار کس از گروه قیقلیان بهرات پناه برده مسجد جامع هرات را بناگاه خورش نمودند در این وقت چهل تن عیاران هروی با رئیس خود خطیب جعفر تان بسجدهود شا فلان رفته بودند. کیلیات چهار هزار سوار به تعقیب قیقلیان بهرات فرستاده بعد از سه روز جنگ بر قیقلیان ظفر یافته همه را در اندرون مسجد جامع بقتل رسانیدند.

پنجم :- واقعه کار دزدن امیر شاهرخ : در سال هشتصد و سی روز جمعه هنگامیکه امیر شاهرخ نماز جمعه را خوانده از مقصوره فرود می آمد شخصی نمد پوش به بهانه اینکه عریضه بشاه تقدیم میکند کاردی بشکم امیر شاهرخ زده کارگر نیفتاد و اندک جراحتی بر داشت ملازمان شاه شخص نمد پوش را فی الحال بقتل رسانیدند. بعد از تفحص و تجسس و تفتیش لازمه معلوم شد که نمد پوش مذکور احمد لرتام داشته و در یکی از تیمچه های بازارا طاقی داشته که بعضی اشخاص بصحبت او میرفتند از آن جمله مولانا نظام استرآبادی بود وهم مولانا معروف خطاط هروی که هفت قلم خط رانیکو مینگاشت و شعر تر میگفت بنابر کدورتی که شهزاده با سینغر از او در خاطر داشت او را نیز بر فاقت احمد لرتام متهم ساخته آن کان هنر و گنجینه فضل را بقتل رسانید و امیر سید قاسم انوار شاعر و عارف معروف را نیز بجای وطن مجبور و تبعید نمودند

و در تاریخ آن واقعه شاعری چنین سروده قطعه :

سال تاریخ هشتصد و سی بود روز جمعه پس از ادای صلوات  
 قصه بس عجیب حادث شد در خراسان ولی شهر هرات  
 کجروی در بساط چون فرزین خواست تا شهر خن از دشت هرات

کرم ولادت یافته اند و فکری به پیشه یافتند آن شب در آنجا

ششم :- واقعه قتل حافظ زین الدین بانور الدین زیار هنگامی که خطیب جامع در سنه ۹۱۶ که قلیخان بیگ با عسکر ماکمل بهرات برسد اهالی بهرات که آشوب خراسان را در اثر نفلق پسران سلطان حسین دیده هنوز رفع خسته نمی نموده چهار تاخت یوزبکان شیبانی گردیدند و در اثر تفرقه کمانها و حمله شیبانی آموافته و در هم شکسته و دارائی خود را استیلا دادند و در کمانزایی و حمله نه شیبانی پلان از یکسو و از طرف دیگر گرن چهار بیگ که امیر زمان عبدالرحیم خطیب اعظمی گردیدند شش مال خود را هدیه و بیست گش الو و نمودند و بیست گش کو فته و عسکر گشته و خوراکه پلین و کشور و بران مانده بود . بالاخره بی ادعده خا ظر و کشمکش قلیخان بیگ بهرات جلوس و روز دیگر اهالی بجامع بهرات خوانده حافظ زین الدین خطیب را بخواندن فرمان فتح نامه بمشیر سنگی بالانمودند . حافظ مذکور از خواندن محمولات فرمان شاه بیگانه ابا جسته هر چند او را نهاد بد بشکستن نمودند از خواندن فرمان خود داری نمود . آخر الا مر خطیب بیگانه را قلیخان بیگ بضرر شمشیر یاره باره نموده آشوبی برپا گردید .

نزد گمانیکه در جوارم - جند جامع مدفونند

چنانکه پیشتر ذکر یافت مرحوم ملک غیاث الدین محمد بن سام غوری گنبدی عالی جهت دفن خویش در جوار جامع احداث فرمود کسا نیکه در بن گنبد مدفونند اول خود مرحوم غیاث الدین محمد بن سام بانی جامعه دوم ملک غیاث الدین بن شمس الدین کهین گرت متوفی در سنه ۷۲۹ سوم ملک معزالدین حسین گرت متوفی در سنه ۷۶۱ این دون نیز در گنبد مزار حضرت سلطان غوری مدفون میباشد (۱) غیر از سلاطین محترم غوری و گرت بزرگانی

(۱) در گنبد مزار مسلمانان، جز قبر مرحوم ملک غیاث الدین محمد بن سام غوری از سلاطین دیگر قبری دیده نمیشود و معلوم است برود زمان صورت قبور آنها از میان رفته اما قبر مرحوم ملک غیاث الدین بن سام بانی اول جامع هنوز بهمان عظمت و مقام اولیه خود باقی و در وسط گنبد واقع است اما صورت قبر که از قطعات سنگ مرمر تراشیده شده بود در نهایت دقت بهم وصل شده بود اکنون از هم بیجا و درهم شکسته است، انشاء الله صندوق نفیس و زیبائی از سنگ رخام که درین عصر فرخته نحت کار گرفته شده بزودی تکمیل و بعد از پوشش گنبد در روی مزار آن گذاشته میشود و در آنجا نیز در گنبد مدفونند

لا ینکر نیز در جوار جامع شریف مدفونند که هراتیک نامبرده میشود. <sup>۱</sup> اول شیخ ابوزید مرغزی (۹) از مشایخ بزرگ هرات و فقیه و عالم و عارف بود. حضرت خواجه عبداللہ انصاری بنا بر واسطه نقل کرده او برده اند. گویند روز وفاتش باران عظیم بوده مریدانش او را در شبستان غرابی جامع شریف دفن نمودند. معلوم است حضرت ابوزید قبل از بنامی ملک غیاث الدین غوری در مسجد جامع شریف دفن گردیده بود تا بعد از او نهادم جامع و بنامی ملک غوری قبر فقیه مرغزی این تعمیر شده باشد. که اکنون قبر مبارک این شبستان غرابی جامع کنونی است واضح است و نزد عوام بمنزله کرامت (یا کرامت) میباشد مشهور است و صاحب تاریخ خورشید جهان نیز باین عقیده است و میگوید: تا بوقت که از آن مرحوم ملک غیاث الدین از خیر بهر آن نقل داده در جوار جامع شریف دفن نمودند. اما علما و معتمدین هرات منازعه کردند که شیخ مرغزی نسبت میدهند و الله اعلم بحقائق الامور. در این خواجه معین الدین محمد بن اسماعیل کوسوی (۴) از کوسوی هرات بوده اند. نسب او شان بعضی شیخ احمد جام زنده بیل میر سید و خرقه مبارک حضرت سلطان ابی سعید بن ابی الخیر تسیوری که در کربان خرقه مذکور و صلوات بر او است. حضرت محمد مدظفی بطنی الله علیه و آله و سلم و صلوات بر او است. حضرت ابی سعید بن حضرت شیخ احمد رسیدند و اخیراً خرقه مبارک که بنواجه معین الدین رسیده بود حضرت خواجه معین الدین آن خرقه مبارک را بپوشانده بود در جامع هرات بوضع می نمودند. بوفات خواجه معین الدین در سال ۸۶۳ بوقوع پیوسته و هم در جامع هرات نزدیک قبر فقیه مرغزی مدفونند و اکنون صورت قبر این بزرگوار از انظار پنهان است خرقه مبارک مذکور تا قریبی پیش از جمله تبرکات جامع شریف محسوب بود متأسفانه این هدیه متبرک واقع و تا اکنون نیز بهمان اسم موسوم است اشخاص بزرگ ازین قریه بوخلسته اند چون ابوزید مرغزی و امام نصر الدین مرغزی و پسران و اولاد و خاندان مرغزی و اولاد مرغزی و مرغزیان مقاله جداگانه خواهم نگاشت.

(۲) کوسوی هرات اکنون به کسان شهرت دارد شاه نعمت الله ولی رحمة الله علیه در همین کوسو ولادت یافته اند و فکری و مشیه ملقبان آن لابد تلفیغ بسیار است.

(۲۸) - واقعه قتل حافظ زین العابدین در اربابان - شماره هشتم سال ششم

در سنه ۹۱۶ هجری قمری که قلیخان بیک باسکر مکمل بهرات و سیدها را از آن که آشوب  
و ذیقدر را از جامع شریف برداشته مسجد جدید الاحدائی نقل و محفوظ نمودند  
امید است باز جامع هرات آن خرقة مبارک را در آغوش خودش حفظ نماید سو  
خواجه مظفر شهید حالات این بزرگوار را در دست نمدارم مدفن این شهید  
بزرگوار در گوشه جنوب شرقی جامع شریف واقع است در رساله مزارت هرات  
مسطور است که در آن گنبد دو قبر است یکی از آن خواجه مظفر و دیگری  
معلوم نیست. اکنون گنبد مذکور که نیم بیشتر آن در اثر ترمیمات قدیمه  
جامع لای بسایه های شبستانها رفته و خانه کوچک و قبری با همین نام مشهور  
است. اکنون سراچه جدیدی در جوار این مزار و اطراف دروازه قدیم در نهایت  
زیبائی ساخته شده.

چهارم: حضرت سید جلیل و افضل المتأخرین مفتی سید عبدالرحیم باد  
مرعانی جدا عالی جناب میر عطاء محمد خان وزیر صاحب محترم عدلیه. مرحوم  
سید عبدالرحیم از سادات جلیل ساکن باد مرغان هرات و از علما و فقهای  
بزرگ قرن اخیر بوده و در گوشه جنوب غربی جامع شریف مدفونند. <sup>۱۳۰۵</sup>  
پنجم: اعلم علماء عصر جناب مرحوم مولای عبدالحق طوخی غلجائی که  
از علماء بزرگ عصر خود بود سال ۱۲۵۰ قمری هنگام محاصره هرات در حالیکه  
چند روز از نوروز و چهل روز از محاصره گذشته بود وفات و در جامع شریف  
شبستان جنوب غربی مدفونند.

۶۲۸ سال ۱۳۰۵ قمری - تبرکات جامع شریف محفوظ است

از تبرکات جامع شریف یکی همان خرقة مبارک بود که تفصیلتش بیشتر تذکار  
بافت و امید است آینده خرقة مبارک مذکور پس بمحل اصلی خود قرار گیرد.  
دیگر از تبرکات جامع شریف همان تبرکات است که در سنه ۱۳۴۰ قمری  
جناب فخری پاشا سیفر دولت عثمانی (ترکیه حالیه) با خود بهرات آورده بود  
و در جامع شریف محفوظ است و این چند سطر روی سنگ مرمر سفیدی که بر  
دیوار ایوان مقصوره نصب شده مسطور است که بنیاد گدار تبرکات موصوفه  
بدیوار آنجا نصب و اینک عبارت آن نقل میشود.

تابکار در عنوان آید همی

لااله الا الله محمد رسول الله - الحمد لله و الصلوة على رسوله المجتبی محمد  
 المصطفی وعلى الله واصحابه نجوم الاقتداء والاهتداء بعد چون زمزه امتان غمد یدہ  
 درد فراق کشیده دل افکار جان نثار حضرت سید ابرار را هر لحظه آتش عشق  
 ازدوات دیدار فایض الانوار آن حضرت از کانون سینه شعله ور میگردد -  
 به ندرجه که هر یک از مشتاقان جمال با کمال آن محبوب ذوالجلال را آزر و  
 مندی چنان است **خاک آستان ملائک یا سپان آن شفیع امتان را کحل**  
**الجواهر دیده رمد دیده خود نماید .**

چنانچه سر حلقه عارفان زمان و مدناح یاکمال سیدان و السجان مو ایما  
 نور الدین عبدالرحمن جامی قدس الله تعالی سره السامی فرموده است :  
 گریه ارباب شوق باد بهاری **خار و خسی آرد از دیار محمد**  
 همچو مژه بر دو دیده تادم محشر **جا کنیم آنرا بیاد گار محمد**

و از جمله یادگار ابن تحف و هدایت است که جناب جلال الثعالبی فخری پاشایکی  
 از اقران بزرگ دولت قوی شوکت روم است از مرقد مشهور و روضه مطهر آن  
 حضرت صلی الله علیه وسلم در ریاضت نموده بود در شهر رمضان المبارک در سنه  
 ۱۳۲۰ که وارد دولت خدا داد قوی نیاد افغانستان گردیده تبرکات و تيمنا  
 برای مسلمانان اینولا و امتان حضرت حاتم الانبیا عثمانی فرمود همه را ممتاز  
 گردانیدند. لهذا آن تبرکات درین مسجد جامع و موضع شریف متیف بسمت  
 قبله که نظرا کما مسلمانان است منصوب گردانیدند که هر آرزوی مندی  
 بدولت زیارت آنها مشرف گردیده بلحمد پروردگار و درود حضرت سید ابرار  
 مسفقید و کما افکار نایل نواید بسواز گردد.

اول غبار صندوق روضه مطهر (دوم) قطعه از پوش روضه مطهره و قطعه از شمع  
 داخل روضه مبارک (سوم) قدری سندل از سمدلهای بخور روضه مبارک  
 (چهارم) برس سف نماز پوش روضه مبارک و پرده های اندرون خانه مبارک.  
 (پنجم) قدری غبار از روضه مبارک سیده النساء فاطمه زهرارضی الله تعالی عنها .  
 تبرکات مذکور در صندوق مخصوصی در جامع شریف محفوظ است  
 (باقی در آینده)  
 فکری سلجوقی